

## بررسی جنایت‌هایی که قاتلان کم سن و سال مرتکب شدند

# نوجوانی‌ها

### ملیکای ۸ ساله طعمه پسر ۱۴ ساله

چهارم مهرماه سال ۹۶ هم چراغ عمر ملیکای هشت ساله برای همیشه خاموش شد. روز حادثه، ملیکا برای بازی از خانه بیرون رفت، اما به طور مرموزی ناپدید شد. چهار ساعت بعد و در جریان عملیات جست‌وجو، پلیس جسد دخترک را در خانه‌ای مترو که کشف کرد، همه کنج‌کاو بودند از پشت پرده این جنایت هولناک باخبر شوند. چند مرد مظنون دستگیر و بازجویی شدند، اما مشخص شد هیچ یک در این جنایت نقشی نداشته‌اند؛ تا این که ماموران پسری ۱۴ ساله به نام سهیل را به عنوان عامل قتل شناسایی و دستگیر کردند. بررسی‌ها نشان داد او یک روز پس از قتل ملیکا، دو گوشواره دخترانه را برای فروش به یک طلافروشی برده بود، اما مرد زرگر حاضر نشده گوشواره‌ها را بخرد؛ بعد هم موضوع را به پلیس اطلاع داده بود که متهم بلافاصله دستگیر می‌شود.

سهیل در اعترافات خود گفت: «ملیکا در محله‌مان زندگی می‌کرد و او را می‌شناختم. مدتی بود دوچرخه‌ام خراب شده بود، اما پدرم برای تعمیر آن به من پول نمی‌داد. می‌دانستم ملیکا گوشواره دارد، به همین خاطر نقشه کشیدم تا گوشواره‌هایش را بدزدم. می‌خواستم آنها را بفروشم و با پولش دوچرخه‌ام را تعمیر کنم. روز حادثه ملیکا را در کوچه دیدم که همراه دوستانش بود. چند ساعت بعد وقتی دوستانش رفتند و تنها شد، به او گفتم یکی از دوستانش منتظر است تا با او بازی کند. با هم به خانه مترو که‌ای رفتیم. گفتم مدل بازی این طور است که باید دست‌هایت را ببندم. او هم قبول کرد و من با بند کفش، دست‌هایش را بستم. آن موقع بود که گوشواره‌هایش را از گوشش در آوردم، بعد دست‌ان را دور گلویش فشار دادم و او را خفه کردم. چاله‌ای کندم و خاک‌ها را رویش ریختم و از آنجا فرار کردم.»

### اعتراف پسر ۱۳ ساله به قتل کودک ۵ ساله

این روزها، وستای فاماز توابع مشهد، کانون انتشار خبری است که کمتر کسی باورش می‌شود. پیدا شدن جسد عریان پسر بچه‌ای پنج ساله در پشت بام یک ساختمان نیمه کاره، مردم روستا را حیرت‌زده کرده است. با انتشار خبر و حضور قاضی ویژه قتل عمد در محل، سرخ تحقیقات به سمت چند نوجوان کشیده شد. صحبت‌های قاضی به شیوه کودکانه با همبازی‌های امیر عباس، همان کودک گمشده، نتیجه داد و مشخص شد یک نوجوان ۱۳ ساله، آخرین کسی بوده که همراه امیر عباس دیده شده و با او به پشت بام خانه رفته است.

قاضی پرونده در باره این حادثه گفت: «سه‌شنبه ۱۸ دی ماه امسال، ساعت ۵ بعد از ظهر، کودک مفقود شد و جست‌وجو برای پیدا شدن او راه به جایی نبرد تا بعد از ظهر روز شنبه ۲۲ دی ماه که جنازه کودک در پشت بام یک خانه، در اتفاقی کوچک پیدا شد که لباس به تن نداشته است. تحقیقات را در مورد این که مقتول روزی که مفقود شده به چه کسانی بوده و بازی می‌کرده و این که در نهایت چه کسی جنازه را پیدا کرده است، شروع کردیم و متوجه شدیم کودکانی که همان روز برای بازی به پشت بام رفته بودند، دوباره برای بازی به پشت بام همان خانه می‌روند و جنازه را پیدا می‌کنند.

باز پرس ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب مشهد نیز درباره این پرونده گفت: پس از تحقیق از بچه‌ها متوجه شدیم پسری که از لحاظ سنی و عقلی از بقیه بچه‌ها بزرگ‌تر است، چیزهایی را مخفی می‌کند و رفتارهای مشکوکی دارد. بعد از بررسی سوابقش و این که در گذشته هم به اذیت و آزار کودکان پرداخته است، روی او تمرکز کردیم و در نهایت اقرار کرد که کودک را به قصد اذیت و آزار به پشت بام برده و او را خفه کرده است.



ارتکاب جنایت وحشتناک است، اما زمانی در دناک‌تر می‌شود که کودک یا نوجوانی که هنوز به سن قانونی نرسیده، مرتکب آن شود. با این اتفاق تلخ، خیلی وقت‌ها خوب نیست، نه برای خود قاتل که شاید در کدرستی از کارش نداشته باشد، نه خانواده مقتول که خیلی وقت‌ها بر سر دوراهی بخشش یا اعدام قاتل مانده‌اند. شاید قدیمی‌ترین پرونده جنجالی قاتلان نوجوان، مربوط به سال ۷۵ و جنایت خیابان گاندی تهران باشد که جامعه را تا مدت‌ها ملتهب کرد. در این جنایت، دو نوجوان به نام‌های شاهرخ و سمیه با همدستی هم، برادر هشت و خواهر ۱۳ ساله سمیه را به قتل رساندند. در بررسی علل وقوع این قتل مشخص شد، روان‌پریشی سمیه، بی‌توجهی پدر به دخترش و... باعث وقوع جنایت شده است.

پس از این اتفاق، قطار مرتکبان کوچک قتل از ریل خارج نشد و با گذر زمان، نوجوانان دیگری با انگیزه‌های مختلف مرتکب قتل شدند.

### لیلا حسین زاده

## تجاوز پسر ۱۶ ساله به دختر ۶ ساله



۲۲ فروردین ۱۳۹۵، آخرین روزی بود که چشم‌های معصوم ستایش شش ساله افغان، زیبایی‌های دنیارامی دید. روز حادثه، ستایش به مغازه رفت تا بستنی بخرد. فقط ده متر مانده بود به خانه برسد که برای بازی با خواهرزاده‌های قاتل وارد خانه آنها شد. پس از ساعتی، دلشوره نیامدن ستایش به خانه، مادر را وادار کرد تا با همسرش تماس بگیرد. پدر که به خانه برگشت، کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف را زیر پا گذاشتند، اما دخترک‌شان انگار آب شده و به زمین فرو رفته بود. از همه جا که ناامید شدند به پلیس مراجعه کردند تا راه چاره‌ای پیش پایشان بگذارد. پلیس به آنها گفت یک ساعت دیگر هم دنبالش بگردند. یک ساعت هم مثل برق و باد گذشت، اما خبری از ستایش نشد. پدر و مادر دوباره نزد پلیس رفتند و این بار به آنها گفته شد دخترشان به قتل رسیده است.

قاتل که یک نوجوان ۱۶ ساله بود، پس از دستگیری در مورد روز حادثه و انگیزه خود از قتل گفت: ستایش برای بازی با تبلت خواهرزاده‌ام همیشه به خانه ما می‌آمد. روز حادثه هم آمد. وقتی خواهر و خواهرزاده‌ام رفتند، او هم رفت، اما چون فکر می‌کرد آنها برگشته‌اند، او هم برگشت. آن روز مشروب خورده بودم و سیاه مست بودم. اصلاً حالت عادی نداشتم. وقتی دیدم ستایش در خانه تنهاست، به زور به او تجاوز کردم. قصد کشتن اش را نداشتم، اما چون مادرش دم در خانه‌مان آمد و صدایش کرد، نتوانستم ساکتش کنم. او را به طبقه دوم خانه بردم و با روسری خفه‌اش کردم. سعی کردم جسدش را با اسید از بین ببرم، اما موفق نشدم. امیرحسین در اعترافش گفت پیش از حادثه، با دختران رابطه داشته، زنی بزرگ‌تر از خود را صیغه کرده و آن روز نیز در یکی از کانال‌های تلگرامی فیلم غیراخلاقی مشاهده کرده بود.

### قتل پسر ۸ ساله توسط کودک ۷ ساله

کودکی هفت ساله در یک دعوی کودکانه پسری هشت ساله را به قتل رساند. در این حادثه که هفت سال پیش در اهواز رخ داد، پسر هشت ساله‌ای به نام امیر وقتی از دبستان تعطیل شد، به تنهایی به سمت خانه‌اش راه افتاد، اما در میانه راه با پسر بچه دیگری درگیر شد و این پسر در حالی که چاقویی در دست داشت، به سمت امیر حمله و ضربه‌ای به گردن او وارد کرد. ساعتی بعد، امیر که به بیمارستان منتقل شده بود با وجود تلاش پزشکان جان‌اش را از دست داد. در همین رابطه پرونده‌ای تشکیل شد و ماموران به تحقیق در مورد آن پرداختند. از همان ابتدا و با توجه به گفته‌های شهود، پلیس متوجه شد متهم این پرونده پسری هفت ساله است، اما به دلیل این که این کودک همراه والدینش محل را ترک کرده و به محل نامعلومی رفته بود، امکان انجام تحقیقات بیشتر فراهم نشد.